

مَجَلَّةُ اَرْمَغَانِ

تاسیس بمهر ماه ۱۲۹۸ شمسی

مدیر و نگارنده وحید دستگردی

تاریخ آداب زبان عربی

علمی است بسیار مهم و سودمند و پژوهش و مطالعه آن بر لافل ادب و ذوق خاصه ادبای فارسی زبان واجب و لازم زیرا قسمت مهم آداب زبان عربی قبیحه تحقیق و تتبعات دانشمندان و ادبای بزرگ باستانی ایرانش و تتبع و تدوین و تالیف های بسجده و حصر و سودمند ایرانیان در حقیقت قسمت مهم آداب زبان عربی را بوجود آورده و بدون شناخته و ارتباط کامل نیز با زبان فارسی ندارد . ادلی حق تحقیق در این مبحث سودمند و سهل مشکلات و مضلات آن البته درخور همه کس است و کمتر کسی از عهده چنین کار برمیآید

اینک دانشمندانرا بشارت میدهم که فاضل تحریر احمد بهمنیار استاد دانشگاه عالی که الحق تحقیق در این مبحث او را شایانست راه افاده و استفاده عموم دانشمندان را باز و در این مبحث مقالات سودمندی بیابای در مجله ارمغان انتشار خواهد داد . ما از زحمات بی پایان و خدمات علمی و فاضل محترم و نشر چنین مقالات سودمند بسیار سپاسگزار بوده و عموم دانشمندان در روز دیگر از شاگرد و استاد بخوابدن و استفاده توصیه میکنیم

وحید

تاریخ آداب زبان عربی

۲۲۶

مقدمه

در اصل کلمه تاریخ که آیا عربی است یا عبری و در صورت عربی بودن آیا ما خود از اراخ و یا ما قلوب تاخیر میباشد اختلاف و بهر تقدیر این کلمه در لغت بمعنی تعیین وقت است . و بعضی گفته اند تاریخ هر امر زمانی است که آن امر بدان منتهی میشود ، و بدین مناسبت است که گویند فلان تاریخ قوم خویش است یعنی بزرگی و شرافت قوم او باو منتهی می شود . تاریخ در عرف اهل نجوم زقوم

روزی معین است که از منہ بعدرا بدان نسبت میدهند مانند تاریخ هجری و میلادی و جلالی و رومی و باستانی و غیره ، و در عرف عام شناساندن وقتی است . بسبب دادن بوقت دیگر .

و اما در اصطلاح مورخین ، تاریخ فنی است که در آن از اخبار گذشتگان و کلیه اوضاع و احوال اجتماعی ایشان از سیاست و اقتصاد و مذهب و رسوم و عادات و لغت و علوم و آداب و غیره بحث می شود .

تاریخ در این عصر بفروع و شعب عدیده منقسم شده و یکی از فروع و شعب آن تاریخ ادبیات است که اهمیتی روز افزون یافته و کمتر ماتی از ملل متمدن را سراغ داریم که دانشمندان آن در تاریخ زبان و ادبیات خود کتب و رسائل متعدد تالیف نکرده باشند .

در تاریخ ادبیات هر ملت از حیث علمی و ادبی آن ملت بحث می شود که در زندگی اجتماعی خود در علوم و آداب چگونه و تا چه حد ترقی یا تنزل کرده و گویندگان و نویسندگان آن ملت نتیجه افکار و احساسات خود را بچه طرز و اسلوب ادا کرده اند و سبب ترقی یا انحطاط علمی و ادبی آن ملت در هر عصر و زمان چه بوده و کسانی که در این ترقی یا انحطاط مؤثر بوده اند چه آثار فکری از خود بیادگار گذارده اند و هر یک در طی مدارج علم و ادب چه راهی اختیار کرده و دارای چگونه ذوق و قریحه بوده اند .

واضع و بتعبیر مناسب تر مدون این علم دانشمندان مغرب زمینند که در تحقیقات تاریخی خود با اهمیت ادبیات و تاثیری که در سایر شئون اجتماعی بشر دارد متوجه شدند و رفته رفته آنرا موضوع فنی خاص قرار دادند و بر شعب تاریخ شعبه بنام تاریخ ادبیات افزودند .

تاریخ ادبیات در حقیقت مفسر و شارح و مبین غوامض و مشکلات سایر شعب تاریخ است . چه کلیه اعمال و افعال بشر آثار و مظاهر خارجی قوی و ملکات روحیه اوست و آنچه ملکات و قوای روحیه ملل و اقوام گذشته و معاصر را بما

می‌شناساند آثار ادبی و عبارت دیگر سخنان منظوم و منثور آنهاست که نماینده افکار و عقول و معرف احساسات و عواطف اوست. و نظریه‌ی خاصیت و امتیازات که علمای این عصر بدین رشته از تاریخ توجه کامل دارند و برخی از آنها نه تنها بتاریخ ادبیات خود بلکه بتاریخ ادبیات ملل و اقوام دیگر نیز اهمیت می‌دهند، چنانکه دانشمندان اروپا در تاریخ السنه و آداب ملل شرقی و علمای مشرق در تاریخ السنه و آداب غربی بحث و تحقیق می‌کنند و فضلا و ادبای ایران با کوششی که در توسیع و تکمیل تاریخ ادبیات فارسی دارند تحقیق و تتبع در تاریخ آداب لغت عربی و لغات دیگر را که مورد استفاده آنهاست لازم می‌شمرند، و خصوصاً بتاریخ ادبیات عربی که قسمت اعظم آن نتیجه افکار و نماینده احساسات ایرانی است اهمیت خاص می‌دهند و تحصیل آنرا پس از تاریخ ادبیات فارسی بر سایر تواریخ مقدم می‌دارند.

«تعریف و فایده و موضوع» تاریخ ادبیات عرب قوی است که در آن از

چگونگی و علل تغییرات و تطوراتی که در عصرهای مختلف در نظم و نثر عربی روی داده است بحث می‌شود. فواید تحصیل این علم سیار و آنچه بهترین منظور محصلین ایرانی تواند بود بی‌بردن بتأثیر عظیمی است که افکار و احساسات ایرانیان در طرز و اسلوب نظم و نثر و در وضع و تکمیل علوم عربی داشته است. موضوع این علم - آداب لغت و یا سخنان منظوم و منثور عربی است که در این علم از تغیر و تطوری که در عصرهای مختلف بر آن وارد شده است بحث می‌کنند و در اینجا نکته ایست که باید بدان متوجه بود، و آن نکته ایست که در تاریخ ادبیات هر قوم از آن جهت بحث میشود که نماینده طرز و سبک افکار و عواطف و تمایلات و تأثرات نفسانی آن قوم است و تاریخ ادبیات در واقع و حقیقت تاریخ افکار و عقول است نه تاریخ الفاظ و عبارات. پس اگر فردی از افراد يك ملت افکار خود را بزبان ملتی دیگر ادا کند اثری که از این ادای فکر بوجود می‌آید از آثار ادبی ملتی است که آن شخص یکی از افراد آنست و نباید آنرا

بعلتی که فکر بزبان اوادا شده است منسوب داشت ، مثلا اگر دانشمندی ایرانی بزبان فرانسه اشعاری بگوید آن اشعار از آثار ادب ایران محسوب می شود نه از آثار ادب فرانسه . وبهمین نظر است که ارباب تحقیق که در هر بحث نظری عمیق دارند اشعاری را که شعرای هندوستان بزبان فارسی یا عربی یا انگلیسی سروده اند نماینده فکر هندی و از آثار ادبی ملت هند می شمارند .

بنابراین نکته که بطور اختصار بیان شد آثار نظم و نثری که دانشمندان غیر عرب بزبان عرب نظم و تالیف کرده اند از ادبیات عرب محسوب نمی شود . و کسی که میخواهد از تاریخ ادبیات و بعبارت صحیح تر از تاریخ افکار و عقول عرب بحث کند باید اینگونه آثار را که اتفاقاً قسمت اعظم آداب لغت عربی را تشکیل داده است بکنار بگذارد . لیکن منظور ما از بحث در آداب عربی چیز دیگر است و نتیجه که مخصوصاً ما ایرانیان از این بحث دو نظر داریم اینست که از آنچه دانشمندان ما برای تحسین و تکمیل و ترویج آداب لغت عربی کرده اند آگاه شویم و بدانیم که افکار و احساسات آنها در تحویل و تغییر افکار و احساسات عرب چه تأثیر داشته و چگونه و بچه ترتیب بزبان عرب را در بسیاری مؤلفات علمی و آثار ادبی ثروتمندترین زبانهای شرقی ساخته اند ، و بدین منظور است که موضوع علمی را که مورد بحث است بنام « آداب لغت عربی » می نامیم نه بنام « ادبیات عرب » و اتفاقاً برخی از مؤلفین عرب هم بدین نکته متوجه شده اند که اگر آثار فکری دیگران را از آداب لغت خود خارج سازند بیشتر مفاخر و مزایا و محسنات را که مایه آبرو و ثروت هندی لغت آنهاست از کف داده اند و بهمین جهت است که آنها نیز از اختیار لفظ « ادبیات عرب » صرف نظر و لفظ « آداب لغت عربی » را اختیار کرده و حتی برای فنی که مورد بحث است نام و عنوان « تاریخ آداب اللغة العربیه » را مناسبتر یافته اند ، و این برای آنست که میتوانند از کلیه آثاری که افراد هر قوم و ملت بزبان عربی نظم و تالیف کرده اند بحث نمایند .

(ماخذ و منابع آداب لغت عرب)

علوم و فنون عصر حاضر دو قسمند ، (اول) علومی که مسائل و مطالب

آن از مکشفات دانشمندان عصر جدید است و متقدمین از آنها اطلاعی نداشته و اگر هم داشته‌اند بسیار مختصر و ناقابل بوده است، مانند فن الکتریسته و فروع و شعب آن «دوم» علمی که مطالب و مسائل آن در عصرهای سابق معلوم و معروف بوده و علمای عصر جدید آنها را تصحیح و تکمیل و تشریحی خاص جم و تدوین کرده و بنامی که در سابق داشته‌است یا بنامی تازه موسوم ساخته‌اند، مانند علم حساب یا جبر و مقابله که بنام قدیم خود باطرزی کاملتر و بسط و وسعتی افزونتر و ترتیبی مناسب‌تر باقی است لیکن مسائل و مطالب آن کاملتر و وسیعتر شده و ترتیب مباحث آن بصورتی بهتر و مناسبتر درآمده است، و مانند بعضی از شعب تاریخ عام که مواد مسائل آنها در نزد متقدمین معلوم و معروف بوده و علمای عصر اخیر همان مواد را بترتیبی خاص جمع و تدوین و بنامی مخصوص موسوم کرده‌اند و از آن جمله است تاریخ ادبیات که رشته از تاریخ عمومی است و خود نیز بفروع عدیده تقسیم شده و یکی از آن فروع تاریخ آداب لغت عربی است که اینک از آن بحث میکنیم. مطالب و مباحث این تاریخ را علما و فضلاء متقدم در مؤلفات علمی و ادبی و تاریخی خود در ذیل عنوانهای مختلف یاد کرده‌اند، و کتب و رسائلی که در شرح حال علما و ادبا و شعرا و خطبا و فقها و محدثین و حکما و عرفا یا در تاریخ علوم و انشعاب آنها از یکدیگر یاد راسامی کتب و مؤلفین آنها یاد راسامال و حکم یاد رنقد شعر و ادب و شرح آثار شعرا و ادبا نوشته‌اند، هر يك مباحثی از مباحث این فن را دربر دارد، و از این گونه مؤلفات است که علمای این عصر مواد تاریخ ادبیات عرب یا ادب لغت عربی را استخراج و بطرزی خاص مرتب و منظم و بنام تاریخ آداب لغت عربی مدون کرده‌اند مهمترین ماخذ و منبعی که مواد تاریخی آداب لغت عربی از آن گرفته می‌شود همین کتب و رسائل و امثال و نظائر آنهاست منبع و مأخذ دیگر نقوش و خطوط و آلات و ادوات علمی و اینیه و آثاری است که از عصرهای گذشته باقی مانده و بعضی آنها نه تنها از هنر و صنعت پدید آرندگان خود بلکه از مهارت و استادی آنها در نقون هندسه و نجوم و طب و همچنین از ذوق

وسلیقه و طرز افکار و تمایلات آنها و آنچه بدین مانند حکایت میکند از این دو منبع که یاد شد و از بعض منابع دیگر است که دانشمندان عصر حاضر مسائل و مواد تاریخ آداب لغت عربی را از زمان جاهلیت تا بدین زمان اتخاذ و جمع و تدوین کرده و تاریخ مذکور را که از قون جدید به شماره‌ی روش وجود آورده‌اند.

ادوار تاریخی آداب لغت عرب

اوضاع و احوال اجتماعی ملل و اقوام که هر یک آنها در این عصر موضوع تاریخی خاص شده‌است پیوسته در حال تغیر و تبدل بوده و خواهد بود و شرح و توصیف این تغیر و تبدل است که مسائل و مواد تاریخ هر یک از آنها را تشکیل می‌دهد.

تطور و تغیری که در احوال و اوضاع زندگی طوایف و اقوام بشری روی می‌دهد در گونه‌است یکی تطور و تغیر تدریجی است که از تاثیر اوضاع و احوال شئون اجتماعی در یکدیگر صورت می‌گیرد و چون تدریجی است با وجود کمال اهمیتی که دارد محسوس نمی‌شود. دیگر تطور و تغیرهای ناگهانی و شدید است که در نتیجه وقایع و حوادث مهم از قبیل ظهور بی‌غمبران بزرگ و قیام مصلحین نامی و وقوع جنگهای عظیم و هجوم و استیلای اقوام و تشکیل یافتن دولتهای تازه و بروز بلاها و آفتهای عام و حدوث اختلافات و نزاعهای مهم و امثال این امور روی می‌دهد و معمول تاریخ نویسان اینست که تاریخ هر قوم و ملت را بر حسب اینگونه تغیرات ناگهانی و مهم که در حیات اجتماعی آنها روی داده‌است بدورها و عصرها تقسیم می‌کنند و این تقسیم را در تواریخ خاص که هر یک از موضوع مخصوص و معین بحث می‌کنند معمول می‌دارند.

یکی از شئون اجتماعی که موضوع تاریخی خاص شده، زبان و آداب زبان است که مانند دیگر امور اجتماعی عرضه هر دو قسم تغیر و تطور می‌باشد. باین تفاوت که تغیر و تبدل آن سریعتر و مهم‌تر است و آثار آن برای اطلاع و اعتبار آیندگان باقی میماند و چنانکه سابقاً اشاره کردیم برای کسانی که می‌خواهند

از اوضاع اجتماعی اقوام و ملل در عصرهای مختلف آگاه گردند بهترین وسیله و مهمترین منبع اخبار و اطلاعات است. مؤلفین تاریخ این موضوع اجتماعی را هم مانند دیگر موضوعات بر حسب تغییرات ناگهانی و عظیم که عارض آن شده است بدوره‌ها و عصرها تقسیم می‌کنند، و بهمین قاعده است که تاریخ ادبیات عرب را نیز بدو دوره مهم تقسیم کردند، و فاصل این دو دوره بحث حضرت خاتم الانبیاء و ظهور دین مبین اسلام است که نخست اوضاع اجتماعی عرب و پس از آن اوضاع جهان را در مدتی اندک متغیر و متبدل ساخت

دوره اول -- تاریخ قبل از اسلام است که دوره جاهلیت نامیده میشود و بدو عصر جاهلیت اولی و جاهلیت ثانیه منقسم می‌گردد. (دوم) تاریخ بعد از اسلام است که دوره تمدن اسلامی نامیده می‌شود و بچهار عصر راشدین و امویان - عباسی - مغول و ترک، و عصر جدید اقسام می‌یابد. و بعضی از مؤلفین عصر راشدین و امویان را دو عصر شمرده و دوره اسلامی را بشش عصر تقسیم و از هر یک جداگانه بحث کرده‌اند. ما نیز تقسیم نخستین را اختیار و بنیاد مطالب را که مورد بحث است بر آن استوار می‌کنیم و ضمناً تقسیماتی را هم که دیگران کرده‌اند از نظر دور نمی‌داریم و بهر کدام که سبب و وجهی معتبر داشته باشد در موقع خود اشاره می‌کنیم

پند نامه یوزر جمهر

نقل از یک سفینه کهن سال

بدان ای جوینده دانش که در روزگار گذشته انوشیروان عادل ابو زرجهر را که وزیر او بود گفت میخواهم که کتابی در حکمت از بهر من بسازی که درو منفعت دنیا و آخرت باشد و بغایت مختصر بود ابو زرجهر قبول کرد و این کتاب را بساخت و نامش ظفرنامه کرد و بحضورش برد انوشیروان را بغایت خوش آمد او را بناخت و دلداری بسیاری کرد و جمله حکماء را تشریف داد و زادی که ایشان داشتند مضاعف گردانید و این کتاب را بطریق سؤال و جواب نهاد بدین روش انوشیروان گفت از خدای تعالی چه در خواهم که هما چیز